والای آنان می‌رسد».

«رهبان باللیل لیوث بالنهار، کَأَنَّ قلوبهم زبر الحدید؛ عابدان شب و شیران روزند، [در شجاعت] قلوبشان همچون پاره‌های آهن است».[۴۸]

۵. ضرورت درگیری و نبرد

درگیری بین حق و باطل، ایمان و کفر، یک ضرورت است؛ چون حقیقت «ایمان»، حرکت و رویش و خصلت «کفر» ایستادگی و ماندگی است.

ساده اندیشی است اگر گمان شود، مسائل و مشکلات، تنها با گفت‌وگو حل می‌شود. باید به فکر پس از گفت‌وگو هم بود که اگر زیر بار حق نرفتند و یا خواستند بر ظلم خود باقی بمانند، چه باید کرد؟ پس از گفت‌وگو و دو گروه شدن، مخاصمه و درگیری هم هست یا نه؟ «**فاذا هم فریقان یختصمون...**»[۴۹]. به راستی آیا مشکل اسرائیل و فلسطین، با گفت‌وگو حل می‌شود؟ آیا آمریکا باگفت‌وگو حاضر است، از خوی استکباری خود دست بردارد؟

نبرد حسین علیه‌السلام و یزید، جنگ مهدی علیه‌السلام و مستکبران، نبرد حق و باطل است؛ یکی در محدوده کربلا و دیگری در وسعت همهٔ زمین.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «لیس شأنه الا السیف؛[۵۰] او فقط شمشیر را می‌شناسد».

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «یکفّون سیوفهم حتی یرضی الله عزّوجلّ؛[۵۱] [یاران قائم] شمشیرهای خویش را بر زمین نمی‌نهند تا این که خدای عزوجل راضی شود».

۶. منتظران مهدی علیه‌السلام، پرورش یافتگان مکتب عاشورا

یاران مهدی علیه‌السلام، همه عاشورایی‌اند و در مکتب حسین علیه‌السلام پرورش یافته و بالیده‌اند. کسانی می‌توانند در رکاب مهدی علیه‌السلام باشند و امام حق را یاری رسانند که در مکتب «عاشورا» آبدیده شده و معیار جنگ و صلح را از او آموخته باشند که حسین علیه‌السلام خود معیار سلم و حرب و تولاّ و تبرّا است.

۷. سختی و مشکلات راه

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «قیام امام زمان علیه‌السلام نشانه هایی دارد». راوی پرسید: آنـها چیستند؟ امام صادق علیه‌السلام فرمود: «**ذلک قول الله عزوجل و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع**[۵۲] **لو قد خرج قائمنا، لم یکن الا العَلَق و العَرَق و القوم علی السروج**؛[۵۳] این سخن خداوند است که «شما را با گرسنگی و ترس آزمایش می‌کند»؛ هنگامی که قائم ما قیام کـند، خون است و عرق ریختن و سوار بر مرکب‌ها بودن در میدان‌های مبارزه».

۸. پیوستن و جدا شدن یاران

به کاروان حسین علیه‌السلام کسانی پیوستند که امید پیوستنشان نبود، همچون زهیر و حرّ که یکی عثمانی بود و در صفین بر علیه علی علیه‌السلام شمشیر زده و دیگری فرمانده سپاه عمر سعد بود. و کسانی به بهانه‌های واهی نپیوستند، همچون طرماح بن عدی و یا پیوستند و جدا شدند و سعادت شهادت در کنار حسین علیه‌السلام را نداشتند؛ چه آنانی کـه در مـیانهٔ راه جـدا شدند و چه آنانی که در کربلا، از میدان معرکه گریختند.

در مورد یاران مهدی علیه‌السلام نیز داریم:

قال الصادق علیه‌السلام: «**اذا خرج القائم یخرج من هذا الامر من کان یُری انه من اهله و دخل فیه شبه عبدة الشمس والقمر**؛[۵۴] هنگامی که قائم قیام کند از امر [ولایت] او کسانی بیرون می‌روند که همواره چنین به نظر می‌رسید از یاران او باشند. و به امر [ولایت] او در می‌آیند آنانی که شـبیه خـورشید پرستان و ماه پرستانند.»

در مورد یهودیان جزیرةالعرب، نیز داریم که منتظر آمدن پیامبر بودند. اما وقتی آمد، به او کافر شدند. ﴿**فلما جائهم ما عرفوا کفروا به**﴾[۵۵] از حسین نیز تقاضا کردند که بیاید و نامه‌ها نوشتند، اما هنگامی که آمد، به او پشت کردند و خون او را ریختند.

۹. الهام پذیری هر دو فرهنگ

حسین علیه‌السلام با شهادت خود، پایه گذار فرهنگ شهادت شد و این فرهنگ، آن چنان در فرهنگ مسلمین ریشه دواند و در دلها جا باز کرد که به عنوان الگو، سرآغاز بسیاری از

حرکتها و قیامهای حق طلبانه در سرزمین پهناور اسلامی بر علیه خلفا و حاکمان ستمگر، شد. در عراق؛ بصره و کوفه (سلیمان بن صرد، مختار، زید بن علی)، در حجاز؛ مدینه و مکه، در خراسان (یحیی بن زید)[۵۶]. و هنوز هم همه عدالت خواهان و مردان تاریخ، می‌گویند باید پا جای پای حسین و شهدای کربلا گذاشت (گاندی).

انتظار نیز به عنوان یکی از بزرگترین، قوی‌ترین و انگیزه سازترین آرمان‌های انسانی، نقش بی بدیلی در از بین بردن یأس و ناامیدی و پیروزی نهایی مظلومان بر مستکبران دارد ﴿و نریدان نمن... و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین﴾. همچنان که می‌تواند به عنوان یک راهبرد اساسی و کلیدی در تمامی ابعاد سیاسی ـ اجتماعی، تربیتی و فکری یک جامعه تأثیر گذار باشد.

از طرف دیگر منتظر ظهور مصلح، خود باید صالح باشد.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «ان لنا دولة یجیء بها الله اذا شاء ثم قال: من سرّه ان یکون من اصحاب القائم علیه‌السلام فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر؛[۵۷] ما دولت و حکومتی داریم و خداوند، هرگاه بخواهد این دولت ظهور خواهد کرد و اگر کسی خوشحال و خشنود می‌شود که از یاران مهدی علیه‌السلام باشد؛ پس منتظر باشد و در حال انتظار، اهل ورع و اجتناب از گناهان و اهل محاسن و مکارم اخلاق باشد».

«یخرج اناسٌ من المشرق و یوطئون للمهدی سلطانه؛ گروهی از مشرق زمین به پا خاسته و زمینه ساز حکومت امام مهدی علیه‌السلام می‌شوند».

۱۰. زوال دولت‌های باطل

حسین علیه‌السلام، با شهادت خود، باعث رسوایی و در نتیجه نابودی دولت بنی امیه شد. مهدی علیه‌السلام نیز با ظهور خود، باعث رسوایی و تزلزل تمامی دولت‌های مستکبر، خواهد شد:

«اذا قام القائم ذهب دولة الباطل؛[۵۸] هنگامی که قائم قیام کند، هر دولت باطلی از بین می‌رود».

در دعای ندبه، ندا سر می‌دهیم:

«این قاصم شوکة المعتدین؟ این هادم ابنیة الشرک و النفاق؟ این مبید اهل الفسوق و العصیان و الطغیان؟...؛[۵۹] کجا است درهم شکنندهٔ شوکت متجاوزان؟ کجا است ویران کنندهٔ بناهای شرک و نفاق؟ کجا است نابودکنندهٔ اهل نادرستی و عصیان و طغیان؟...».

در روایات نیز آمده است:

«و لایکون ملک الا للاسلام؛[۶۰] در آن روز حکومتی جز حکومت اسلام، نخواهد بود».

«یبلغ سلطانه المشرق و المغرب؛[۶۱] دولت مهدی (عج) شرق و غرب جهان را فرا گیرد».

«اذا قام القائم لایبقی ارض الاّ نودی فیها شهادة ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله؛[۶۲] هنگامی که مهدی (عج) قیام کند زمینی باقی نمی‌ماند مگر آن که گلبانگ توحید و رسالت پیامبر در آن بلند گردد».

۱۱. تکیه بر سنت‌های الهی

سنت خداوند چنین است که تا تحولّی در وجود انسان‌ها پدید نیاید، وضعیت جامعه و اجتماع آنان، دگرگون نخواهد شد: ﴿**ان الله لایغیّر ما بقوم حتی یغیّروا ما بانفسهم**﴾[۶۳] و سنت‌های الهی تخلف‌ناپذیر است: ﴿**ولن تجد لسنة الله تبدیلاً**﴾.[۶۴]

ظهور مهدی علیه‌السلام زمینه‌های مردمی و عدّه و عُدّه‌ای را می‌طلبد که باید فراهم شود و این به عهدهٔ ما است؛ گرچه اگر ما کاری نکنیم، ظلم فراگیر و باطل خود زمینه ساز عدالت و حق خواهد بود؛ چون باطل رفتنی است: ﴿**قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقاً**﴾.[۶۵]

البته این بدان معنا نیست که از امدادهای غیبی و معجزات استفاده نمی‌شود؛ بلکه امدادهای غیبی نیز از سنت‌های الهی است. و فرآیند خاص خود را دارد. به شهادت قرآن، پس از به کار گرفتن تمامی استعدادها، تلاش‌ها، تحمل سختی‌ها و شداید و طلب و درخواست انسان‌ها، امداد و عنایت الهی فرا خواهد رسید: ﴿**ان تنصرالله ینصرکم**﴾[۶۶] و

﴿... ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما يأتكم مثل الذين خلوا من قبلكم مستهم البأساء والضراء و زلزلوا حتى يقول الرسول و الذين آمنوا معه متى نصر الله الا انّ نصر الله قريب﴾[۶۷].

از شرایط اساسی ظهور حضرت حجّت زمینه‌های مردمی است:

«ان المهدی لایخرج حتی تقتل النفس الزکیة... فاتی الناس المهدی فزفّوه کما تزّف العروس».[۶۸]

«...انّه لایخرج حتّی لایکون غائب احب الی الناس منه ممّا یلقون من الشرّ».[۶۹]

۱۲. نقش زنان

نقش زنان، در هیچ حرکتی از حرکت‌های اسلامی و شیعی ـ از صدر اسلام تاکنون ـ به اهمیت و برجستگی نقش زن در قیام «عاشورا» نبوده است.

«عاشورا» تنها صحنه‌ای است که در آن «زن»، در متن قرارداد و نه حاشیه و نقش زن شیعی در آن، پررنگ و پرحضور است و شاید یکی از رمزهای جاودانگی آن همین باشد. نقش «زینب»، این شیرزن دریادل کربلا و همسر و دختران امام حسین علیه‌السلام ـ به عنوان پیام‌آوران واقعهٔ عاشورا ـ از جایگاه خاصی برخوردار است. نقش ام وهب، دلهم (زن زهیر)، طوعه، ماری[۷۰] و حتی زنان قبیلهٔ بنی همدان[۷۱]، غیر قابل کتمان است.

مرحوم حاج شیخ ملاسلطان علی تبریزی ـ که از جمله عابدان و زاهدان بود ـ در عالم رؤیا خدمت امام زمان علیه‌السلام رسید و عرض کرد: آیا این که فرمودید: «فلأندبنک صباحاً و مساءً و لأبکین لک بدل الدموع دماً» صحیح است؟ فرمود: آری، صحیح است.

عرض کردم: آن کدام مصیبت است که به جای اشک، خون گریه می‌کردید؟ آیا مصیبت حضرت علی اکبر است؟

حضرت فرمود: اگر علی اکبر هم بود، در این مصیبت خون می‌گریست.

ـ آیا مصیبت حضرت عباس است؟

ـ اگر عباس هم بود، در این مصیبت خون می‌گریست.

ـ آیا مصیبت حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام است؟

ـ اگر سیدالشهدا علیه‌السلام هم بود، در این مصیبت خون می‌گریست.

ـ پس کدام مصیبت است؟

ـ مصیبت اسیری زینب.[۷۲]

در قیام حضرت مهدی علیه‌السلام نیز چنین است و زنان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار خواهند بود. نقش زن در عصر ظهور، همچون نقش مدعیان امروز و طرفداران حقوق زن نیست که او را تا سرحد یک کالا و وسیله‌ای برای لذت‌طلبی و عیّاشی تنزل داده‌اند.

جابربن یزید جعفی از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند:

و یجیء والله ثلاث مأة و بضعة عشر رجلاً فیهم خمسون امرأة یجتمعون بمکة علی غیر میعاد قزعاً کقزع الخریف؛[۷۳] به خدا سوگند ۳۱۳ نفر می‌آیند که پنجاه تن از آنان زن هستند که بدون هیچ قرار قبلی، در مکه کنار یکدیگر جمع خواهند شد».

ام سلمه نیز از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین روایت کرده است: «یعوذ عائذ من الحرم فیجتمع الناس الیه کالطیر الوارد المتفرقة حتی یجتمع الیه ثلاث مأة و اربعة عشر رجلاً فیه نسوة فیظهر علی کل جبار و ابن جبار[۷۴]؛ در آن هنگام پناهنده‌ای به حرم امن الهی پناه می‌آورد و مردم همانند کبوترانی که از چهار سمت به یک سو هجوم می‌برند به سوی او جمع می‌شوند تا این که در نزد آن حضرت سیصد و چهارده نفر گرد آمده که برخی از آنان زن می‌باشند که بر هر ستمگر و ستمگر زاده‌ای پیروز می‌شوند».

۱۳. دشواری حفظ دین

در دوران امام حسین علیه‌السلام بر اساس بدعت‌های خلفا و تبلیغات بنی امیه، دین بی ارزش و بازار دنیا پررونق بود: «الناس عبید الدنیا و الدین علی السنتهم ما درّت معایشهم فاذا محصّوا بالبلاء قلّ الدیّانون؛ مردم بندهٔ دنیا هستند و دین لقلقهٔ زبانشان می‌باشد، مادامی که زندگی دنیای آنها تأمین شود. اما همین که در بوتهٔ امتحان قرار گرفتند، دین داران کم خواهند بود».[۷۵]

اگر نبود حسین علیه‌السلام ـ این خط روشن ولایت و وارث پیامبران ـ چراغ دین، آخرین

کورسوهای خود را می‌زد.

در عصر انتظار نیز حفظ دین، از سخت‌ترین کارها است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ان لصاحب هذا الامر غیبة، المتمسّک فیها بدینه کالخارط لشوک القتاد بیده ـ ثم اوْمأ ابوعبدالله علیه السلام بیده هکذا. قال: فایّکم تمسّک شوْک القتاد ـ ثمّ اطوق ملیّاً ثمّ قال: ان لصاحب هذا الامر غیبة فلیتّق الله عبد عند غیبته و لیتمسّک بدینه؛[۷۶]

برای صاحب این امر (حضرت مهدی علیه السلام) غیبتی خواهد بود. هر کس در روزگار غیبت او دین خود را حفظ کند، مانند کسی است که تیغ‌های تیزگیاه قتاد را با دستش صاف و هموار سازد؛ سپس حضرت با دست [مبارک] خویش اشاره فرمود که چگونه با دست، تیغ‌های قتاد را باید هموار ساخت. آنگاه افزود: کدام یک از شما تا به حال توانسته است، خارهای خنجرگونه قتاد را به دست بگیرد؟

سپس حضرت سر به زیر افکند و مدتی سکوت کرد؛ آن گاه افزود: برای صاحب این امر، غیبتی است که در روزگار دشوار غیبت، هر بنده خدایی باید تقوا پیشه کند و دینش را حفظ نماید».

در روایتی دیگر، آمده است:

«منْ ثَبتَ علی ولایتنا فی غیبة قائمنا، اعطاه الله اجْر الف شهید مثل شهداء بدر و احد؛[۷۷] کسی که در روزگار قائم ما، در امر ولایت ما ثابت قدم و استوار باقی بماند و نلغزد، چنان است که خداوند پاداش هزارشهید مانند شهدای جنگ‌های بدر و احد به آنان عطا می‌فرماید».

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «یأتی علی الناس زمانٌ یغیب عنهم امامهم. فیا طوبی للثابتین علی امرنا فی ذلک الزمان؛[۷۸]

روزگاری بر مردم خواهد آمد که امام و پیشوای ایشان از [چشم] آنان غایب و پنهان می‌گردد. پس خوشا بر احوال کسانی که در آن زمان (غیبت در امر ولایت) ثابت قدم و استوار می‌مانند».

حضرت در ادامه، فضایل فراوانی برای کسانی که دین خود را حفظ می‌کنند، بیان

می‌دارد که این فضایل زیاد، به جهت سنگینی و عظمت کار آنان است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اللهمّ لقّنی اخوانی، مرتین... لاحدهم اشدّ بقیةً علی دینه من خرط القتاد فی اللیلة الظلماء او کالقابض علی جمْر الغضاء، اولئک مصابیح الدجی ینجیهم الله من کل فتنة غبراء مظلمة؛[۷۹]

بارالها! مرا به دیدار برادرانم نایل گردان... هر یک از ایشان در پایداری و استواری در دین، از کسی که در دل تیره شب، شاخهٔ پرتیغ گیاه قتاد را، با کف دست صاف و هموار می‌سازد، پایدارتر است؛ یا همانند کسی که صبورانه پارهٔ آتشی را بر دست گیرد و در آن حال در دین خویش استوار باشد. آری، ایشان چراغ‌های هدایت [در شب تاریک و دیجور] هستند. خداوند ایشان را از هر فتنهٔ تیره و تار رهایی می‌بخشد».

۱۴. سازش ناپذیری

حسین علیه السلام در ردّ درخواست یزید بر بیعت، با قاطعیت می‌گوید: «مثلی لا یبایع مثله»؛[۸۰] حضرت مهدی علیه السلام نیز با هیچ‌کس سر سازش ندارد. امام باقر و صادق علیهما السلام می‌فرمایند: «لیس شأنه الاّ السیف؛ او فقط شمشیر را می‌شناسد»[۸۱]، «یقتل اعداء الله حتی یرضی الله؛ دشمنان خدا را می‌کشد تا خدا راضی گردد».[۸۲]

۱۵. تلاش جهت جذب و نیروسازی

حسین علیه السلام، مدام به فکر جذب نیرو و تربیت و سازندگی بود. و با نامه به شهرهای مختلف و سفرهای خود و با زندگی ساده و انفاق‌های خود، سعی در جذب و تألیف قلوب و تربیت و پرورش آنان داشت. او دو سال پیش از مردن معاویه، در «منا»، جمعی بالغ بر هزار نفر از صحابه و تابعان را گرد آورد و تمامی فضایل اهل بیت را به همراه ویژگی‌های دشمنان آنان، از قرآن بر آنان خواند.

آن حضرت در دورهٔ یزید، در سفر خود از مکه به کربلا، از سیاست جذب نیرو چشم نپوشید و افرادی همچون زهیر و حرّ را جذب نمود.

مهدی علیه السلام فرزند حسین علیه السلام نیز در میان ما و در حال تلاش و نیروسازی است و

لحظه‌ای از این مهم غافل نیست:

«ان یکون صاحبکم المظلوم، المجحود حقه، صاحب هذا الامر یتردد بینهم و یمشی فی اسواقهم و یطأ فرشهم و لایعرفونه حتی یأذن الله له ان یعرّفهم نفسه؛[۸۳] صاحب این امر... در میان آنان راه می‌رود، در بازارهایشان رفت و آمد می‌کند. روی فرش‌هایشان گام برمی‌دارد؛ ولی او را نمی‌شناسند، مگر خداوند به او اجازه دهد تا خودش را به آنان معرفی کند.

در جلد دوم موسوعه امام مهدی (تألیف شهید محمد صدر) داستان‌هایی شنیدنی و موثق در این باره آمده است.

۱۵. انتظار

پیامبر صلی الله علیه و آله از خیلی پیش‌ترها، خبر شهادت امام حسین علیه السلام را داده بود. امام علی علیه السلام نیز می‌فرمود: «هیهنا مناخ رکاب و مصارع عشاق». این اخبار تا آن جا بود که کسانی، از مدت‌ها پیش در منطقه کربلا اقامت گزیده و منتظر یاری فرزند رسول خدا بودند و سرانجام به آرزوی خود رسیدند.[۸۴]

پیامبر صلی الله علیه و آله و تمامی ائمه علیهم السلام، بشارت ظهور مهدی علیه السلام و دولت کریمهٔ او را داده‌اند و باید منتظر بود که: «افضل الاعمال انتظار الفرج».

۱۶. طلب یاری

فریاد استنصار و طلب یاری حسین علیه السلام، هنوز هم از رواق تاریخ به گوش می‌رسد: «هل من ناصرٍ ینصرنی؛ هل من مغیث یغیثنا؛ هل من ذابّ یذبّ عن حرم رسول الله».

فریاد استنصار مهدی علیه السلام، نیز همواره بلند است. آیا کسی هست که مهدی آل محمد را یاری کند؟ آیا کسی هست عشق مرا در دل‌ها زنده کند؟ و انسان‌های بریده از مرا، با من پیوند زند؟

می‌گویند با شنیدن فریاد «هل من ناصر حسینی»، گهوارهٔ علی اصغر تکان خورد! آیا با شنیدن «هل من ناصر مهدوی» نیز، دلی هست که بلرزد و با امامش عهد و پیمانی ببندد و به

کمک او برخیزد؟ آن هم در این عصر وانفسا؟!

«او در روز ظهور خود به دیوار کعبه تکیه داده بانگ بر می‌دارد: «ای مردم! ما از خداوند یاری می‌جوییم. هر که می‌خواهد ما را اجابت کند... از شما می‌خواهم که به حق خدا و به حق رسول خدا و به حق خودم بر شما ـ که حق قرابت رسول‌الله (ص) می‌باشد ـ ما را کمک کنید و کسانی را که به ما ظلم می‌کنند، از ما بازدارید که ما را ترسانده و بر ما ظلم کرده‌اند. از شهر و فرزندانمان جدا کرده، بر ما ستم روا داشتند و شوریدند. اهل باطل حقمان را گرفته، بر ما افترا بستند. خدا را دربارهٔ ما در نظر آورید! ما را تنها نگذاشته، خوارمان نکنید. یاریمان کنید که خداوند شما را یاری می‌کند».[۸۵]

۱۷. تدبیر و مدیریت

مدیریت حسین علیه‌السلام، مدیریتی بی‌نظیر است. این‌که جماعتی اندک در برابر سپاهی سی هزار نفری، از پگاه صبح تا هنگام عصر مقاومت کنند؛ حکایت از مدیریت عالی و تدبیر بلند حسین(ع) دارد. او با تشکیل میمنه و میسره و علمدار و قرار گرفتن خود در قلب سپاه، به عنوان فرمانده و قرار دادن خیمه‌ها در جایگاهی مناسب ـ به طوری که پشت آن نهری خشک‌شده باشد ـ و ریختن نی و هیزم در آن و آتش زدن آنها در فرصتی مناسب و خیمه‌ها را در کنار هم بستن و... به طوری که دشمن نتواند آنها را محاصره کند و تنها از روبه‌رو با آنها بجنگد، نشان داد که از تدبیر و مدیریتی بی‌نظیر برخوردار است. امام با تسلّطی شگرف تمامی صحنه‌ها را زیر نظر داشت و هم‌چون یک فرماندهٔ پیروز تا آخرین لحظه، ذرّه‌ای ترس و واهمه به خود راه نداد. او در شب عاشورا از تمام منطقهٔ نبرد، بازدید کرد و با گفت‌وگویِ با اصحاب و اهل حرم همهٔ آنان را به آمادگی و وسعت رسانید و خود و اهل‌بیت و اصحابش، با عبادت و دعا شب را به صبح رساندند. کسانی که صبح پرکاری دارند، باید شب‌ها را به پا خیزند و با خالق خود به راز و نیاز بپردازند.

﴿یا ایها المزّمّل قم اللیل ... إن لک فی النهار سبحاً طویلا﴾[۸۶]

مهدی علیه‌السلام نیز در مدیریت و تدبیر، همچون جدّ بزرگوار خود حسین(ع) است. تشکیل

یک حکومت جهانی و ادارهٔ همهٔ انسان‌ها مدیریتی می‌خواهد سترگ، به عظمت سینهٔ مهدی(ع) که: آلة الریاسة سعة الصدر.

سوّم. رهیافت‌ها

با پیوندها به تحلیل می‌رسیم و با تحلیل‌ها به رهیافت‌ها. هر کدام از تحلیل‌ها، می‌تواند پیام آور رهیافت یا رهیافت‌هایی باشد. آن جا که یوسف علیه‌السلام با خواب عزیز مصر، به دو برنامهٔ هفت ساله می‌رسد و مصر را از قحطی و گرسنگی نجات می‌دهد. چرا نتوان با این همه پیوند و تحلیل، به رهیافت‌ها و در نتیجه به برنامه‌ریزی و موضع‌گیری مناسب رسید؟!.

این رهیافت‌ها (هم چون سیرهٔ تربیتی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مدیریتی آن حضرت)، می‌تواند اساس برنامه‌ریزی‌های راهبردی و کلان جامعه منتظر و حکومت دینی باشد.

۱. تبیین فرهنگ عاشورا

اگر «عاشورا» پشتوانه فرهنگی «انتظار» است؛ پس در جهت تبیین حرکت عاشورا و نیز برگزاری هر چه باشکوه‌تر مراسم عاشورا و معرفی اسوه‌های جاویدان آن، باید تلاش دو چندان کرد.

خیلی فرق است بین این که به «عاشورا»، به عنوان پشتوانه و عقبهٔ فرهنگی و الهام‌پذیرِ انتظار نگاه شود؛ یا یک سنت برخاسته از عواطف و احساسات قومی.

رسانه‌های عمومی ـ به خصوص صدا و سیما ـ حوزه‌های علمیه و مراکز فرهنگی، نقشی حیاتی و اساسی در غنا بخشیدن به این فرهنگ دارند.

«کربلا» دانشگاه بزرگی است با کلاس‌ها و درس‌های بسیار. ابعاد و آموزه‌های این دانشگاه بزرگ، هنوز هم بر بسیاری پوشیده است. باید در این دریای عمیقِ گستردهٔ پربار، غوّاصانی ماهر و زبردست، به صید بپردازند تا لؤلؤها و مرواریدهای گران‌بهای آن را به چنگ آورده، در اختیار خواستاران و خریداران قرار دهند.

هنوز هم این حرکت عظیم و منشور بی نهایت، زوایای پنهان و ابعاد گسترده‌ای دارد که تنها بر عاشقان رخ می‌نماید. این غزال گریز پا در کمند هر کس نمی‌افتد! پرورش یافتگان مکتب مهدوی، امام حسین علیه‌السلام را به عنوان معیار «سلم و حرب» و منشأ «الهام‌پذیری» می‌دانند. باید این معیار برای همگان به خوبی تبیین شود.

۲. تبیین دین

عصر حسین علیه‌السلام، عصر غربت دین بود و عصر انتظار نیز چنین است. قیام حسین و فرزندش مهدی علیه‌السلام برای احیای دین است. منتظر مهدی، باید از دین و ضرورت، قلمرو، و زبان آن و... تحلیلی عمیق داشته باشد؛ تا در این عصر ـ که عصر شبهات و فتنه‌ها است ـ بتواند زمینه ساز حرکت مهدی (عج) باشد.

۳. الگو سازی

حسین علیه‌السلام و یارانش الگوی منتظران‌اند؛ از این رو باید در مبانی فکری و ویژگی‌های رفتاری و تربیتی آنان، درنگی شایسته کرد.

۴. فرهنگ بسیج

ضرورتِ درگیری و نبرد، بایستگی «فرهنگ بسیج» را به عنوان یک راهبرد اساسی، فراروی حکومت دینی قرار می‌دهد. تقویت این نهاد مقدس، زمینه‌سازی برای ظهور است.

باید از کسانی که در هشت سال دفاع مقدس، از نبرد نهراسیدند و سختی‌ها و مشکلات راه را به جان خریدند، تجلیل کرد و سینما و ادبیات دفاع مقدس را ـ نه به عنوان یک تفنن ـ که به عنوان یک ضرورت و هدف راهبردی نظام، پی گرفت. بسیج برخاسته از فرهنگ جبهه و شهادت است. و به گفته امام راحل «مدرسهٔ عشق است». این رهیافت شاخصه و معیار اساسی در انتخاب مسؤولان و کارگزاران است. ترویج این فرهنگ و نهادینه کردن آن، باعث می‌شود که هر کس تکلیف خود را با مهدی علیه‌السلام روشن کند؛ تا در

اوج نبرد با اسبی که در خیمه مخفی کرده، فرار نکند و مهدی علیه‌السلام را همچون حسین علیه‌السلام تنها نگذارد.

۵. معرفت امام

کسانی می‌توانند شعار خود را «یا لثارات الحسین» قرار دهند که به مقام «ابوت با امام» رسیده باشند تا بتوانند خونخواه او باشند؛ این ممکن نیست مگر با معرفت به حق امام علیه‌السلام. شعار «یا لثارات الحسین» فقط یک شعار برخاسته از عواطف و عصبیت‌های قومی و نژادی نیست؛ بلکه برخاسته از معرفت به «حق ولایت امام» است. این معرفت، معرفت به حسب و نسب و فضایل آنان نیست؛ بلکه عرفان به حق ولایت آنان است. «الست اولی بکم من انفکسم» و «النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم». آنان از ما به ما آگاه‌تر و مهربان‌تراند و از همه کشش‌های نفسانی آزادند.

این شعار، شعار کسانی است که در تولد دوم[۸۷] خود، رسول و امام را به ابوّت برگزیدند و با درک اضطرار به وحی و حجّت، از همهٔ تقلیدها، تلقین‌ها، هوس‌ها، غریزه‌ها و... جدا شدند و در این تولد دوباره، رسول و امام را به عنوان مربی خود انتخاب کردند که: «انا و علیٌّ ابوا هذه الامة».

این درک از امام و این آگاهی از حق ولایت ایشان، ما را به مقام ابوّت و در نتیجه خونخواهی آنان می‌رساند؛ آن هم نه پدر جسمانی من که پدر روحانی، مربی، هادی و پیشوای من؛ آن هم پدری که «مصباح»، «سفینه»[۸۸]، «میزان»[۸۹]، «وارث»[۹۰]، «امین»[۹۱] و «اسوه»[۹۲] است و سبب سعادت و رستگاری[۹۳]، امنیت، حفظ، نجات[۹۴]، عزت، قبولی اعمال[۹۵] من و... است.

این نگاه به امام و آگاهی از شؤون و آثار ولایت آنان، ثمرات و بارهای زیادی با خود دارد و فاصله گرفتن از آن، ضررهای جبران‌ناپذیری با خود به همراه دارد. از گام‌های اساسی تمامی مراکز فرهنگی و آموزشی، تبیین دقیق این معنا از امامت ـ به عنوان رکن رکین اعتقادی انقلاب ـ است.

۶. عزت

«عزّت»، اساس حرکت حسینی و مهدوی است و می‌تواند اساس سیاست راهبردی حکومت دینی در سطح روابط بین المللی باشد. حکومت دینی ـ به عنوان زمینه ساز دولت کریمهٔ مهدوی ـ از هرگونه رابطه و مذاکره‌ای که شائبه ذلّت داشته باشد، پرهیز می‌کند. منتظر «دولت عزیز» (تعزّ بها الاسلام و اهله)[۹۶]، خود باید عزیز باشد. حسین علیه‌السلام هم می‌فرمود: «هیهات منّا الذلة».

۷. تنش‌زدایی

حسین علیه‌السلام آغاز کنندهٔ جنگ نبود ـ گرچه دشمن در تیررس او بود ـ چرا که درگیری، پس از تبیین و اتمام حجت است؛ آن هم پس از آن که دشمن آغاز کننده باشد.

منتظران مهدی نیز دو سیاست «عزّت» و «تنش‌زدایی» را با هم دارند.

۸. آمادگی

ضرورت درگیری و نبرد، بایستگی آمادگی و تجهیز را با خود دارد. باید از الان به فکر عِدّه و عُدّه بود و با تهیه نیرو و اسلحه، در اندیشهٔ روز مصاف حق و باطل بود تا این بار وعدهٔ خداوند به دست منتظران تحقّق یابد. آمادگی برای نبرد نهایی، از مهم‌ترین سیاست‌های راهبردی حکومت‌های دینی است.

۹. جذب نیرو و تبلیغ

آن جا که حسین علیه‌السلام و مهدی علیه‌السلام از جذب نیرو و تبلیغ دین دست نمی‌کشند؛ تکلیف منتظران و پیروان آنان مشخص است. جذب نیرو و تبلیغ در سطح داخلی و خارجی، از تکالیف عمدهٔ حکومت‌های دینی، به عنوان زمینه سازان دولت کریمهٔ مهدوی است.

۱۰. اخلاق

فریاد «هل من ناصر» حسینی و مهدوی، همواره به گوش می‌رسد باید این فریاد را پاسخ گفت؛ اما چگونه؟ امیرالمؤمنین علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام این چگونگی را پاسخ

می‌دهند:

«اعینونی بورع واجتهاد و عفة و سداد[97]؛ با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی مرا یاری دهید».

«من سرّه ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر[98]؛ کسی که دوست دارد، از یاران قائم باشد، باید منتظر باشد و در همان حال، از گناهان اجتناب ورزد و خود را به اخلاق نیکو بیاراید.»

ترویج اخلاق و فضایل اخلاقی، به عنوان راهبردی اساسی در حکومت دینی مطرح است. این سیاست کلان و راهبردی به همراه راه کارهای اجرایی آن می‌تواند به عنوان یک هدف و معیاری برای نقد تمامی ارگان‌های فرهنگی و آموزشی ـ تبلیغی باشد.

۱۱. عنایت بیشتر به زنان

با توجه به نقش زنان در قیام مهدی علیه‌السلام و حضور آنان در دولت کریمه، باید برای رشد، اعتلا و بالندگی این قشر مهم و مظلوم در طول تاریخ، سرمایه‌گذاری جدی صورت گیرد. به نظر می‌رسد تاکنون آن گونه که شایسته و در خور منزلت زنان است، کاری بایسته برای آنان صورت نگرفته است. هنوز در سطح حوزه‌ها، مراکز علمی ـ فرهنگی و مدیریت‌های میانی و کلان جامعه، نقش زن در حاشیه است. باید برای تربیت و تحصیل زنان، سرمایه‌گذاری‌های اساسی صورت گیرد. غفلت از این نگاه راهبردی، ضرر و زیان‌های جبران ناپذیری به انقلاب اسلامی وارد ساخته است. از این رو تلاش دو چندان و عزمی جزم، جهت جبران این ضایعه، می‌طلبد.

●

پی‌نوشت‌ها:

۱.پیامبر(ص) می‌فرماید: «ان لقتل الحسین حرارةً فی قلوب المؤمنین لا تبرد ابداً».مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸، ب ۴۹ ابواب المزار، ح ۱۳.

۲. «فاجعل لنا من امرنا فرجاً و مخرجاً یا ارحم الراحمین» دعای امام حسین علیه‌السلام. پیامبر در جای دیگر می‌فرماید: «ان للحسین فی بواطن المومنین معرفةً مکتومة» بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۷۲. امام صادق (ع) نیز فرموده است: «من اراد الله به الخیر قذف فی قلبه حبّ الحسین و حبّ زیارته و من اراد الله به السوء قذف فی قلبه بغض الحسین و بغض زیارته» کامل الزیارات، ص ۱۴۳.

۳. ر.ک: مجلهٔ موعود، دکتر بلخاری، شماره‌های ۲۶ و ۲۵.

۴. احزاب (۳۳)، آیه ۲۳.

۵. به برخی از این پیوندها در شماره قبلی همین مجله در مقالهٔ « حسین (ع) و مهدی (ع)» اشاره شده است.

۶. ر.ک: منتخب الاثر، ص ۱۴۰ - ۱۳۹ و ۲۵۴ ـ ۲۶۴.

۷. بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۵۰.

۸. دلائل الامامة، طبری، ص ۲۳۹.

۹. اسراء (۱۷)، آیه ۳۳.

۱۰. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۱۹.

۱۱. الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب، یزدی حائری‌پور، ج ۲، ص ۲۸۲.

۱۲. النجم الثاقب، ص ۴۶۹ و نیز ر.ک: مستدرک الوسائل، ج ۱، پ ۴۷، «به نقل از امام صادق علیه‌السلام».

۱۳. معالی السبطین، ج ۱، ص ۲۰۸؛ ریاض القدس، ج ۱، ص ۲۶۳؛ وقایع الایام خیابانی، ص ۲۸۴؛ ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۵۸ (به نقل از سحاب رحمت، ص ۳۴۳).

۱۴. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۸.

۱۵. مصباح الزائر، سید بن طاووس، به نقل از ربیع الانام فی ادعیة خیر الانام، ص ۳۶۷.

۱۶. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر (عج).

۱۷. مصباح المتهجد، مفاتیح الجنان.

۱۸. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۷۴.

۱۹. همان.

۲۰. مجلهٔ انتظار، ش ۲، ص ۱۸۲ و نیز ر.ک: حماسهٔ عاشورا به بیان حضرت مهدی، ص ۱۱۵.

۲۱. مجله انتظار، ش ۲، ص ۱۸۳.

۲۲. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۷۲. البته چنانچه دعای ندبه از جانب امام زمان (ع) باشد.

۲۳. ر.ک: مفاتیح الجنان، در اعمال هر یک از این روزها.

۲۴. مجله انتظار، ش ۲، ص ۱۷۸.

۲۵. امالی صدوق، مجلس ۲۷؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۵.

۲۶. گزیدهٔ کفایة المهتدی، ص ۱۰۵ و ۱۰۶، ح ۱۹.

۲۷. بحار الانوار ج ۵۳، ص ۶۲؛ ایقاظ، ص ۳۵۲؛ فوز اکبر، ص ۳۶.

۲۸. اسراء، ۶.

۲۹. ایقاظ، ص ۳۶۸.

۳۰. ر.ک: مجلهٔ انتظار، شمارهٔ ۲، ص ۱۸۸ و نیز ر.ک: صالحان صالح، ص ۱۸۷ و خلاصهٔ العبقری الحسان، صص ۳۴، ۱۱۰، ۱۸۷، ۲۱۹، ۲۴۲ و پادشه خوبان و سوگمندان ولایی.

۳۱. النجم الثاقب، ص ۶۰، مفاتیح الجنان بعد از زیارت جامعه.

۳۲. الغدیر، ج ۷، ص ۱۴.

۳۳. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۶.

۳۴. بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۴۵، به نقل از مکیال المکارم.

۳۵. همان، ج ۴۵، ص ۱۸.

۳۶. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۶.

۳۷. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۳ (به نقل از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله).

۳۸. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲ و نیز ر.ک: همان، ص ۱۳۵ و کمال الدین، ص ۴۸۰.

۳۹. مفاتیح الجنان، زیارت مطلقهٔ امام حسین (علیه‌السلام).

۴۰. همان، دعای عهد.

۴۱. کافی، ج ۸، ص ۲۷۸.

۴۲. تحف العقول، ص ۲۴۵.
۴۳. نهج البلاغه، خ ۱۳۸.
۴۴. تبلیغات بنی‌امیه تا آن جا بود که مردم شام، بنی‌امیه را اهل‌بیت پیامبر می‌دانستند. عبدالله بن علی وقتی از شام برگشت، گفت: انهم ما علموا لرسول الله قرابة و لااهل بیت یرثونه غیربنی‌امیة. مسعودی نیز در مروج الذهب (ج ۳، ص ۴۴) نقل می‌کند: «از یکی از بزرگان اهل شام که اهل رأی و عقل بود سؤال شد: ابوتراب کیست که این خطیب او را لعن می‌کند؟ جواب داد: من فکر می‌کنم یکی از دزدان فتنه‌انگیز باشد.
ابن‌ابی‌الحدید، از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند: سخت‌ترین زمان برای شیعیان ما زمان معاویه بود که در هر شهری آنها را می‌یافتند به قتل می‌رساندند و دست و پای آنها را می‌بریدند تا در زمان حاکمیت عبیدالله بن زیاد و حجاج در کوفه که مردم بیشتر دوست داشتند به آنها کافر و زندیق بگویند تا شیعهٔ علی علیه‌السلام. (زمینه‌های قیام امام حسین علیه‌السلام، ص ۲۵۰).
۴۵. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.
۴۶. همان، ص ۳۱۱.
۴۷. معجم احادیث الامام المهدی علیه‌السلام، ج ۳، ص ۱۰۰ (به نقل از مستدرک حاکم، ج ۴، ۵۴).
۴۸. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶.
۴۹. نمل (۲۷)، آیهٔ ۴۵.
۵۰. الغیبة، نعمانی، ص ۲۳۳.
۵۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷.
۵۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۹۴.
۵۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۵۹ (امام رضا علیه‌السلام).
۵۴. الغیبة نعمانی، ص ۱۷۱؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.
۵۵. بقره (۲)، آیهٔ ۸۹.
۵۶. ر.ک: پیامدهای عاشورا، سید ابوالفضل اردکانی.
۵۷. منتخب الاثر، ص ۴۹۷، فصل ۱۰، باب ۲، ح ۹.
۵۸. کافی، ج ۸، ص ۳۸ (امام باقر علیه‌السلام).
۵۹. دعای ندبه.
۶۰. الملاحم و الفتن، ج ۲، ص ۶۶.
۶۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱ (امام باقر علیه‌السلام).
۶۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰ (امام صادق علیه‌السلام).
۶۳. رعد (۱۳)، آیهٔ ۱۱.
۶۴. احزاب، ۶۲.
۶۵. اسراء، ۸۱.
۶۶. محمد(۴۷)، آیه ۷.
۶۷. بقره (۲)، آیه ۲۱۴.
۶۸. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۴۷۸؛ الملاحم و الفتن، سید ابن طاووس ص ۱۳۹، ب ۶۳.
۶۹. عقد الدرر، ص ۹۴.
۷۰. وی اهل بصره و خانه‌اش، کانون شیعیان امام علی علیه‌السلام بود. از آن کانون تنی چند به یاری حسین علیه‌السلام شتافتند و شهید شدند؛ گرچه خود وی نیامد.
۷۱. پس از مردن یزید، برخی از بزرگان و اشراف کوفه تصمیم گرفتند عمرسعد را به عنوان امیرخود برگزینند. زنان قبیله بنی‌همدان تا این خبر را شنیدند، هلهله کنان داخل مسجد شدند و از این کار ممانعت کردند. آنان می‌گفتند شما می‌خواهید کسی را حاکم کنید که فرزند رسول خدا را به شهادت رسانده است؟
۷۲. العبقری الحسان، ج ۱، ص ۹۸.
۷۳. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۳.
۷۴. مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۵؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۵۰۰.
۷۵. تحف العقول، ص ۲۴۹؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲.
۷۶. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵.
۷۷. همان، ج ۵۳، ص ۱۳۵.
۷۸. همان.
۷۹. همان، ج ۵۲، ص ۱۲۴.
۸۰. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۵.
۸۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱.
۸۲. الغیبة شیخ طوسی، ص ۳۲.
۸۳. الغیبة نعمانی، ص ۸۴ و نیز ر.ک: همان، ص ۷۲.
۸۴. ر.ک: تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۱۴، ص ۲۱۶ و نیز ر.ک: ص ۲۲۴.
۸۵. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸.
۸۶. مزمل (۷۳)، آیات ۱ ـ ۵.
۸۷. «لن یلج فی ملکوت السماء من لا یولد مرتین» (از کلمات حضرت مسیح علیه‌السلام). به ملکوت آسمان

راه نمی‌یابد؛ مگر کسی که دو بار متولد شود. تولد اول ما در مُلک است و در این تولد پدر ما همان پدر شناسنامه‌ای ما است. با تولد دوم و در آمدن از شکم غریزه‌ها و تقلیدها می‌توان به ملکوت آسمان راه یافت و در این تولد رسول و علی پدر ما و مربی ما هستند.

۸۸ «ان الحسین مصباح الهدی و سفینة النجاة».

۸۹ «علیّ میزان الاعمال».

۹۰. اشاره به زیارت وارث که ائمه علیهم‌السلام وارث فرهنگ وحی‌اند و از آن پاسداری کرده و آن را از دستبرد حوادث حفظ می‌کنند.

۹۱. اشاره به زیارت امین الله.

۹۲. «لکم فیّ اسوة». از سخنان امام حسین علیه‌السلام.

۹۳. «و فاز الفائزون بولایتکم» مفاتیح الجنان، زیارت جامعهٔ کبیره.

۹۴. «ولایة علی بن ابی‌طالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی».

۹۵. «بموالاتکم تقبل الطاعة المفترضة» مفاتیح الجنان، زیارت جامعهٔ کبیره.

۹۶. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

۹۷.نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۹۸. منتخب الاثر، ص ۴۹۷.

مهدی یاوران

● نصرت الله آیتی

مقدمه

هر جنبش و انقلابی، به یاران و همراهانی نیاز دارد؛ یارانی که ستون‌های انقلاب‌اند و سنگینی آن را بر دوش می‌کشند. سستی و استواری هر یک از این دو، با سستی و استواری دیگری ارتباطی تنگاتنگ دارد؛ یعنی، هر اندازه حجم بنای انقلاب کمتر باشد، پایه‌های آن از استحکام کمتری برخوردار خواهد بود و به هر میزان که آن بنا، بلندتر و گسترده‌تر باشد، به ستون‌های محکم‌تری نیاز خواهد داشت. ما با نگاه به حجم و گستردگی این بنا، می‌توانیم دریابیم بر چه ستون‌هایی افراشته شده است؛ همچنان‌که با تأمّل در اهداف و غایات آن نیز می‌توانیم، میزان و حجم ابزار و وسایل مورد نیاز و نیز پدیدآورندگان آن‌را گمانه زنیم.

در این نوشتار، به‌دنبال تبیین ویژگی‌های یاوران امام مهدی علیه‌السلام و همراهان او هستیم؛ کسانی که در حرکت جهانی او، به مثابهٔ بازوان نیرومند آن حضرت، در خدمت او و اهداف او هستند.

این نوشتار دو نتیجهٔ اساسی در پی خواهد داشت:

اوّل این‌که دانستن این ویژگی‌ها، می‌تواند مقیاسی برای محک زدن خود و اهداف خود و معیاری برای فهم میزان قابلیت ما، در همراهی با حضرت و جهاد در رکاب او باشد. ما همیشه، منتظر رؤیت خورشید بوده‌ایم و شاید فردا، روز موعود باشد! آیا ما خود را برای آن روز مهیا کرده‌ایم؟ با فهم این ویژگی‌ها، می‌توانیم دریابیم که پای رفتن این راه را داریم یا نه و دِر آن روز موعود در کنار حضرتیم یا در مقابل او.

ثمرهٔ دوم، زمینه سازی برای ظهور است. توضیح این‌که فرا رسیدن روز سراسر مبارک ظهور، بسته به دو عامل اساسی است که منطقاً، با فقدان هر کدام از آنها، قیام حضرت، بی‌نتیجه خواهد بود:

۱. وجود زمینهٔ مردمی؛ اگر در مردم، احساس نیاز به امام شکل نگیرد، وقتی او بیاید، قدرش را نخواهند دانست و به راحتی او را تنها خواهند گذاشت؛ بلکه شاید علیه او شمشیر نیز بکشند، همان‌گونه که اغلب مردم با پیشوایان معصوم پیشین علیهم‌السلام چنین کردند.

۲. فراهم آمدن یاران، همراهان و هم‌رزمانی کارآمد و توان‌مند که با فقدان‌شان، کار حکومت، هدایت و رشد به سامان نخواهد رسید. دانستن ویژگی‌های یاران حضرت و تلاش در راه کسب آنها، در واقع تلاش برای زمینه سازی ظهور و فرا رسیدن آن روز مبارک است. در روایات، گرچه از این صفات، به عنوان ویژگی‌های یاران حضرت یاد شده است؛ امّا بدون تردید یکی از پیام‌های این روایات، بر شمردن شرایط آرمانی یک منتظر است. اهدافی که یک منتظر واقعی باید برای خود ترسیم کند و تمام توان خود را در راه رسیدن به آنها به‌کار بندد و اوج‌هایی که یک شیعه در تمام قرن‌ها و عصرها باید بدان‌ها چشم دوخته، خود را در مسیر دست یافتن بدان‌ها قرار دهد.

ویژگی‌های یاران امام زمان علیه‌السلام

برای فهم ویژگی‌های یاران امام مهدی علیه‌السلام، از دو مسیر می‌توان حرکت کرد: مسیر نخست، تأمّل در روایاتی است که آن خصوصیّات را بیان می‌کند. مسیر دوم، تحلیل میزان

عظمت و وسعت انقلاب و گسترهٔ حرکت حضرت و نیز توجّه و تأمّل در اهداف و آرمان‌های آن حرکت است.

در این گفتار، مسیر دوم را خواهیم پیمود؛ گر چه از روایات مربوط به این موضوع نیز بهره خواهیم برد.

ابعاد حرکت امام عصر (عج)

انقلاب امام مهدی علیه‌السلام، بزرگ‌ترین جنبش تاریخ بشریت است و از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است؛ از جمله:

■ **عمق**؛ این حرکت، از عمیق‌ترین جنبش‌های بشریت است. منظور ما از «عمق»، بلندای اهداف و عظمت آرمان‌ها است که در عمل نیز به وقوع خواهد پیوست. این جنبش، به شعارهای پرزرق و برق و اهداف کم مایه نمی‌پردازد؛ بلکه انسان‌ها را به سوی معنویّت و رشد، هدایت می‌کند و تمام استعدادهای آنان را به سمت تعالی و شکوفایی جهت می‌دهد. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

«إذا قام قائمنا وضع یده علی رؤوس العباد فجمع به عقولهم و أکمل به أخلاقهم؛[1] چون قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان گذارد و عقول آنان را متمرکز ساخته و اخلاق‌شان را به کمال برساند».

و در جایی دیگر می‌فرماید:

«تؤتَوْن الحکمة في زمانه؛[2] در دولت مهدی علیه‌السلام به شما حکمت بیاموزند».

■ **گستردگی**؛ این جنبش از نظر جغرافیایی و کمّی، گسترده‌ترین جنبش‌ها است. موج این حرکت، از بزرگ‌ترین قاره‌ها گرفته تا کوچک‌ترین روستاها و کپرها را در می‌نوردد و آنها را به تلاطم درمی‌آورد. امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیهٔ ﴿و عدالله الذین، آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنّهم فی الأرض...﴾[3] فرمودند:

«لم یجیء تأویل هذه الآیة و لو قام قائمنا بعدُ سیَری مَنْ یُدرکه ما یکون من تأویل هذه

الایة و لیَبْلُغَنّ دین محمدﷺ ما بلغ اللیل...؛[۴] تأویل این آیه، هنوز نیامده است. هنگامی که قائم ما قیام کرد، کسی که او را ببیند، تأویل این آیه را خواهد دید که دین محمدﷺ به هر جا که شب وارد شود، خواهد رسید».

■ **امداد الهی**؛ امداد الهی، پشتوانهٔ این حرکت است و ارادهٔ خداوند بر این تعلّق گرفته که این حرکت به ثمر نشسته و حکومت صالحان سرانجام، سراسر گیتی را فرا گیرد: ﴿و نرید أن نمنّ علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم أئمة و نجعلهم الوارثین﴾؛[۵] «ما خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم».

امام علیؑ در تفسیر این آیه فرمودند:

« هم آل محمّد یبعث اللّه مهدیَّهم بعد جُهدهم فیُعزّهم و یُذلّ عدوَّهم[۶]؛ آنان اهل بیت پیامبرند که خداوند، پس از سختی‌هایی که بر آنان می‌رسد، مهدی شان را بر می‌انگیزد و آنان را عزت بخشیده و دشمنان‌شان را خوار می‌گرداند».

■ **رهبری منحصر به فرد**؛ رهبری ویژهٔ این انقلاب، از دیگر اَبعاد عظمت آن است. برای مرتبهٔ بلند او، همین بس که امام صادق علیه‌السلام در وصف او فرمودند:«و لو أدرکتُه لخدمتُه أیّام حیاتي؛[۷] اگر او را درک می‌کردم، تمام عمر به خدمت او می‌پرداختم».

■ **اصالت**؛ جنبش حضرت، از نظر تاریخی، از ریشه دارترین حرکت‌ها است. اعتقاد به مصلح، در تمام ادیان و بسیاری از نحله‌ها و مکاتب بشری، وجود دارد؛ از آیین زرتشت گرفته تا یهودیّت و مسیحیّت و ... .[۸]

این توضیحی کوتاه دربارهٔ برخی از اَبعاد حرکت بزرگ امام عصرعلیه‌السلام بود. حال به تبیین لوازم آن می‌پردازیم.

نخستین بُعد از ابعاد عظمت حرکت حضرت، عمق آن بود. از عمق این حرکت و اهداف بلند آن، می‌توان به عمق باورها و ژرفای نگاه‌ها رسید؛ چرا که آن ثمرهٔ ارزشمند، جز بر این ریشه‌ها و شاخه‌ها نمی‌روید. مگر می‌توان بدون برخورداری از اعتقادات و نگاه‌های عمیق، اهدافی با این حد و اندازه داشت و نگاه‌ها را به افق‌هایی این چنین بلند دوخت؟!